

رضایت میدان از عملکرد رسانه ملی

چند روز پس از انتقادات تند قالیباف از عملکرد صداوسیما، تقدیر معنادار فرمانده کل سپاه از پیمان جبلی و نقش رسانه ملی در روایت «حماسه ملت ایران»، بار دیگر جایگاه این رسانه و اختلاف رویکرد مسئولان ارشد کشور درباره عملکرد آن را به کانون توجهات بازگرداند؛ پیامی که بر نقش صداوسیما در تقویت انسجام ملی و مقابله با روایت سازی دشمن تأکید دارد. با این حال و در شرایطی که با تأکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب مبنی بر ضرورت حفظ وحدت و انسجام و نقش مضاعف مسئولان در این رابطه انتظار می‌رفت تا مسئولان ارشد کشور رویکردی وحدت بخش را دنبال کنند، محمدباقر قالیباف اخیراً به تندی به صداوسیما هجمه برد.

۳



گرای تسلیم به خارج



آدرس غلط به داخل



حجت الاسلام طائب:

آمریکا به هیچ یک از تعهدات تفاهم نامه عمل نکرد

۳



غوغای وفاق نگر:

رشید پول

۸



«صلح خواهی»

دروقت شکست دشمن

علیرضا عباسی
نماینده مجلس شورای اسلامی

صفحه ۱۱

سیاست خارجی



بازتاب سخنان پزشکيان در رسانه های غربی؛

پاس گل به ترامپ

جنگ فقط با موشک و پهپاد و میدان نظامی پیش نمی‌رود؛ بخشی از نبرد، جنگ روایت‌ها و تصویرسازی از قدرت و ضعف کشور است. در چنین میدان حساسی، هر سخن نسنجیده یک مسئول می‌تواند به ماده خام عملیات روانی دشمن تبدیل شود.

صفحه ۱۴

اقتصادی



نتیجه واگذاری ایران خودرو؛

فقط گرانی

واگذاری ایران خودرو به بخش خصوصی، با هدف ارتقای کیفیت محصولات و بهبود عملکرد این خودروساز انجام شد؛ با این حال، طی یک سال و نیم پس از این واگذاری، قیمت کارخانه‌ای محصولات ایران خودرو به طور میانگین ۱۷۰ درصد افزایش یافته است.

یکی از رؤس فتنه سال ۸۸ که به همراه همفکرانش، هشت ماه کشور را به کام آشوب و جنگ داخلی کشاندند و موجب شهادت تعدادی از جوانان و بسیجیان کشور شدند، و در آخر هم به دشمن گرای تحریم دادند و معیشت مردم را طی دودمه گذشته با دشواری مواجه کردند و امروز برای رفع همان تحریم‌ها و معیشت و زندگی مردم اشک تمساح می‌ریزند.

متن کامل در صفحه ۳

از برجام تا اسلام آباد، تکرار الگوی شکست خورده‌ی توافق‌های بی‌ضمانت با آمریکا

برجام عبرت نشد

این تفاهمنامه‌ی منسوخ‌شده، به‌جای پاسخگویی نسبت به تعهدات انجام‌نشده و اقدامات خلاف علی‌الاصول خود، به سفیدشویی و دفاع طلبکارانه از توافقی زیان‌بارتر از برجام روی آورده‌اند.

با گذشت بیش از دو ماه از امضای تفاهمنامه فاقد ضمانت اجرای اسلام آباد و در حالی که بدعهدی و غیرقابل اعتماد بودن طرف آمریکایی برای چندمین بار به اثبات رسیده است، همچنان شاهدیم که برخی از دست‌اندرکاران



امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

و خیانت‌آمیز به وجود آورده بود، برداشته بشود؛ خب حالا شش ماه از این موعد گذشته است، برداشته نشده؛ شش ماه برای یک مملکت هشتاد میلیونی زمان کمی است؟»

خوش خیالی و اعتماد به وعده‌های عمل نشده

مواجهه‌ی دیپلماتیک با آمریکا، چه در برجام و چه در تفاهم‌نامه‌ی اسلام‌آباد، همواره با یک چالش راهبردی اساسی همراه بوده است و آن عدم اجرای تعهدات از سوی طرف آمریکایی است. منتقدان مذاکره با آمریکا همواره بر همین نکته‌ی کلیدی تأکید داشته‌اند؛ چراکه حتی اگر معامله‌ای خوب و نسبتاً متوازن با آمریکا منعقد شود، مهم‌ترین معضل در این مسیر، همچنان بدعهدی و فقدان اعتمادپذیری طرف مقابل خواهد بود. موضوعی که بارها از سوی دلسوزان و منتقدان هشدار داده شد و دقیقاً خلاف نظرولی فقیه تفاهم‌نامه‌ای بی اعتبارتر از برجام منعقد شد.

خوش‌خیالی و امید به وعده‌های طرف آمریکایی به نحوی بوده که قالیباف رئیس تیم مذاکره‌کننده نیز در گفتگویی اعلام کرده بود: «اگر به سوئیس نمی‌رفتم، ۱۲ میلیارد دلار ایران آزاد نمی‌شد» و این درحالی بود که اخیراً رئیس بانک مرکزی اعلام کرد: «یک دلار هم از پول‌های بلوکه شده ایران آزاد نشده است» موضوعی که حتی در برجام نیز با وعده لغو تمامی تحریم‌های تجربه شده بود.

عقیم‌سازی مجلس؛ برای انتقاد توافق با آمریکا
نکته‌ی قابل تأمل دیگر، تشابه برجام و تفاهمنامه‌ی اسلام‌آباد در رویکرد به حاشیه‌راندن نقش نظارتی و تصمیم‌سازی مجلس است. برجام در جریان موسوم به تصویب ۲۰ دقیقه‌ای، عملاً اختیارات مجلس را نادیده گرفت و تفاهمنامه‌ی اسلام‌آباد نیز با تعطیلی پنج‌ماهه‌ی مجلس و کنارگذاشتن این رکن اساسی تصمیم‌گیری، دقیقاً همان مسیر را پیمود.

تفاهم‌نامه اسلام‌آباد که به لحاظ محتوایی و فنی بسیار زیان‌بار و خسارت‌آن گسترده‌تر از برجام است؛ در حالی که امضای رئیس جمهور پزشکیان رسید که به لحاظ زمانی و محتوایی در جهاتی با توافق ضد امنیتی ملی برجام شباهت‌های متعدد و چه بسا بدتری دارد.

برجام و تفاهم‌نامه اسلام‌آباد؛ دوروی یک سکه

کما اینکه رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای با اعلام اینکه نظری مثبت نسبت به این تفاهم‌نامه نداشتند و علی‌الاصول با آن مخالفت کردند، پس از نقض و در واکنش به نقض این تفاهم‌نامه در پیام ۲۶/تیر/۱۴۰۵ فرموده بودند: «امروز شیطان بزرگ بار دیگر چهره‌ی واقعی و بدون نقاب خود را آشکار کرده تا این تجربه تاریک از جنایت و بدعهدی، سند محکم دیگری بر غیرقابل اعتماد و پلید بودن آمریکا باشد.»

علاوه بر این، رهبر شهید انقلاب مشابه همین وضعیت کنونی و در حالی که مذاکره‌کنندگان وقت از ترکمنچای برجام دستاوردسازی می‌کردند در بیانات ۱۱ مرداد ۱۳۹۵ نسبت به عقیم ماندن برجام و نداشتن یک تغییر ملموس در زندگی مردم فرموده بودند: «شش ماه هم از امضای برجام می‌گذرد، هیچ تأثیر محسوس و ملموسی هم در وضع معیشت مردم به وجود نیامده است؛ [درحالی‌که] خب، برجام اصلاً برای برداشتن تحریمها بود؛ «حالا میگویند بتدریج، یواش یواش دارد درست میشو! مگر بحث سر یواش یواش بود؟ آن روز مسئولین، هم به ما میگفتند، هم به مردم میگفتند که در این مذاکرات، قرار بر این است که وقتی ایران تعهدات خود را انجام میدهد، یکباره همه‌ی تحریمها برداشته بشود؛ یعنی این مانعی که آمریکا سر راه ملت ایران ظالمانه

خبر کوتاه

بازدید رئیس ستادکل نیروهای مسلح از تأسیسات زیرزمینی تولید موشک

روز گذشته، همزمان با روز صنعت دفاعی، سرلشکر علی عبداللهی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح و سردار سیدمجید ابن‌الرضا، سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، برای نخستین بار به‌صورت سرزده از یکی از ده‌ها خط تولید زیرزمینی صنایع دفاعی کشور بازدید کردند؛ مجموعه‌ای که بخش مهمی از آنچه امروز در میدان دیده می‌شود، در همین خطوط زیرزمینی تولید و آماده می‌شود. در جریان این بازدید، سرلشکر علی عبداللهی با اشاره به تلاش و پیشرفت‌های صورت‌گرفته در صنایع دفاعی کشور اظهار کرد: کار بزرگی را دوستان عزیزمان در وزارت دفاع انجام داده‌اند و وقتی آدم وارد اینجا می‌شود، جز کار و تلاش و در کنار آن شوق پیشرفت چیزی نمی‌بیند. رئیس ستادکل نیروهای مسلح همچنین با اشاره به سرعت عمل و کیفیت تولیدات صنایع دفاعی در یک سال گذشته گفت: پیشرفت‌های صورت‌گرفته در ابعاد مختلف شکفت‌انگیز بوده و به فضل الهی و با همت کارکنان و مدیران عالی وزارت دفاع، تجهیزات تولیدشده از قابلیت‌های بهتر و کیفیت بالاتری برخوردار شده و از نظر کمیت نیز تولید آنها افزایش یافته است. وی ادامه داد: دشمن باید بداند که نمی‌تواند با اراده یک ملت، بجنگد.

روانبخش: مواضع پزشکیان و قالیباف با نظرولی فقیه در تضاد است

نماینده مردم قم در حساب کاربری خود در ویراستی خطاب به رئیس جمهور و رئیس مجلس نوشت: «آقایان پزشکیان و قالیباف! لطفاً به جای توجه به سفارش‌های مشاوران غرب گرا، به خواست موکلان خود نگاه کنید.» وی افزود: «هردوی شما مدعی اطاعت از ولی فقیه هستید و می‌فرمایید که در نزد شما میان امام شهید و امام سید مجتبی خامنه‌ای تفاوتی نیست.» حجت الاسلام روانبخش در ادامه ضمن اشاره به مواضع اخیر خاتمی، تصریح کرد: «در نشست احزاب در وزارت کشور عناصر معلوم الحالی مانند بهزاد نبوی، علی مطهری، محمود واعظی رئیس دفتر حسن روحانی، صوفی و دیگر غرب‌گرایان توافقنامه راست‌دند و با کمال تعجب منتقدان رانیز تقبیح کرده، برچسب اسرائیلی زدند!! اما امام سید مجتبی خامنه‌ای بعد از امضای توافق فرمودند: من علی‌الاصول نظر دیگری داشتم و پس از آن نیز نماینده خودشان را که به آن رأی داده بود، تغییر دادند. و پس از نقض عهد‌های مکرر آمریکایی‌ها نیز آن را فاقد ارزش و نامعتبر دانستند.» نماینده مردم قم تأکید کرد: «ملت مبعوث در خیابان نیز پیرو خط امام خویش هستند و به این توافق اعتمادی ندارند.» وی در نهایت خطاب به پزشکیان و قالیباف نوشت: «به مواضع خود درباره این توافق بنگرید آیا با امام ولی خدا و ملت مبعوث هم موضعید یا با غرب‌گرایان مدعی اصلاحات؟!»

منان رئیسی: مدافعان تفاهم‌نامه بجای سفیدشویی، جبران مافات کنند

نماینده مردم قم در مجلس در حساب کاربری خود با کنایه به مدافعان تفاهم‌نامه نوشت: حکایت آن کسانی که هنوز تفاهمنامه را سند افتخار می‌دانند حکایت آن کسی است که زمین خورد اما ترجیح داد به جای بلند شدن، ادامه راه را تا مقصد سینه خیز طی کند! بزرگوار! الان زمان سفیدشویی تفاهمنامه است یا پاسخگویی درباره تعهداتی که انجام نشد؟ مثل مرد بلند شوید و به جبران مافات کنید...

گفتمان

پناهیان: در موضوع علی‌الاصول دل امام را خون کردند

روز گذشته حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان با بیان اینکه زمینه‌های اختلاف نظر در کشور خیلی جدی شده است، اظهار داشت که با وجود این اختلاف نظرات، مردم ظرفیت و قاطیه خودشان را نشان دادند. وی ادامه داد: آن کلمه علی‌الاصول که رهبر معظم انقلاب در نامه خودشان نوشتند، پیام بسیار قدرتمندی به دشمنان کشورمان داد که ما هنوز طرح‌های خیلی قوی‌تر از این برای شما داریم و حالا این دفعه را با شما کوتاه اومدیم. پناهیان همچنین تأکید کرد که این پیام رهبر انقلاب، زمینه سوء استفاده سوء استفاده‌چی‌ها را در داخل کشور قلع و قم کرد، مواردی که که با تازگی نمایی از آن تازه مشاهده می‌شود. وی در پایان با کنایه به مدافعان تفاهم‌نامه، اظهار داشت: جریان‌هایی که دل امام ما را خون کردند، الان در حال دفاع از بخش‌هایی از توافقنامه هستند و انسان متوجه می‌شود که پیام علی‌الاصول چه بوده است و اینجا معنای خودش را دارد نشان میدهد.



یادداشت

«صلح خواهی»
در وقت شکست دشمن

علیرضا عباسی

نماینده مجلس شورای اسلامی

یکی از رؤس فتنه سال ۸۸ که به همراه همفکرانش، هشت ماه کشور را به کام آشوب و جنگ داخلی کشاندند و موجب شهادت تعدادی از جوانان و بسیجیان کشور شدند، و در آخر هم به دشمن گرای تحریم دادند و معیشت مردم را طی دو دهه گذشته با دشواری مواجه کردند و امروز برای رفع همان تحریم‌ها و معیشت و زندگی مردم اشک تمساح می‌ریزند؛ در جدیدترین اظهار نظر خود مدعی شده که:

در سرشت آدمی، حقیقت جویی، خیرخواهی و نفرت از شر و گریز از آن نهفته است؛ و کدام شر بالاتر و خسارت‌بارتر از جنگ و کدام خیر برتر از صلح؟ آیا جناب‌تان در فتنه ۸۸ که با مطرح کردن دروغ بزرگ و شبه‌قلب، برخی را فریب دادید و در کشور جنگ به راه انداختید، این حرف‌ها را بلد نبودید؟ چه شده است که هر زمان دشمن در باتلاق جنگ گرفتار می‌شود و جبهه حق به پیروزی و دستاوردهای نهایی نزدیک می‌گردد، عمروعاص گونه سر و کله شما و هم‌فکرانتان پیدا می‌شود و همیشه هم به دنبال راه فرار برای دشمن می‌گردید؟ البته به نام خیرخواهی برای ملت، ولی در واقع همیشه خیرخواهی‌تان هم به کام دشمن خارجی است و برای صدمین بار، مهر تأییدی بر گفته مسئولان رژیم غاصب و منحوس صهیونیستی زدید که معتقدند مجموعه فکری شما، سرمایه‌های رژیم کودک‌کش صهیونیستی در ایران هستند...

ما به خیرامثال شما، که تنها زمانی که دشمن نظام اسلامی‌گیر می‌افتد و در معرض شکست غیرقابل جبران قرار می‌گیرد، برای نجات دادن دشمن نظام اسلامی‌مزورانه و منافقانه خیرخواه می‌شوید، ولی زمانی که نوبت به هم‌نوعان و هم‌وطنانتان در داخل کشور می‌رسد، یا زمانی که جریانی غیر از همفکران شما در مسند امور قرار می‌گیرند و یا وقتی در انتخابات قانونی شکست می‌خورید، رگ گردن کلفت می‌کنید، قداره کش می‌شوید، طغیان می‌کنید و آشوب به راه می‌اندازید، بدون آنکه هرگز از کرده خود هم پشیمان شوید امیدی نداریم، فقط شر مرسانید.

این را هم بدانید که امت مبعوث شده، تکلیف خود را در مقاومت، جنگ، صلح، خون‌خواهی و انتقام، بهتر از شما تشخیص داده است و در حال انجام رسالت بعثت تاریخی خویش، آنهم با اشاره امام شهید و در تبعیت از فرامین ولی فقیه عظیم‌الشان و رهبر عزیز انقلاب می‌باشد و تنها به مسیر ترسیم شده با اصول رهبری معظم انقلاب توجه و در آن مسیر حرکت خواهد کرد.

✓ حجت‌الاسلام طائب: آمریکا به هیچ‌یک از تعهدات تفاهم‌نامه عمل نکرد

اشاره به جنگ اخیر و رفتار دشمن گفت: دشمن سفاک، با بهره‌گیری از همه توان نظامی و تبلیغاتی خود در جنگ با ایران وارد شد، اما وقتی دید ملت ایران عقب‌نشینی نمی‌کند، ناچار به درخواست آتش‌بس و سپس مذاکره شد. با این حال، در ادامه حتی مفاد همان توافق را نیز نقض کرد. حجت‌الاسلام طائب اظهار کرد: دشمن در سند تفاهم متعهد شده بود در بازه ۶۰ روزه به تعهدات خود عمل کند، تهدید نکند، به محور مقاومت حمله نداشته باشد و مدیریت تنگه هرمز را به ایران بسپارد؛ اما هیچ‌یک از این تعهدات را نپذیرفت و بار دیگر به نقض عهد و فشار روی آورد. با وجود این، ملت ایران فریب این بازگشت ظاهری به مذاکره را نخورد.

ملی‌تکریم فعالان مساجد کشور که در مسجد مقدس جمکران برگزار شد، گفت: آمریکایی‌ها گمان می‌کردند اگر ولی امر مسلمین و احیاگر و آبادگر مساجد را هدف قرار دهند، می‌توانند پایگاه مقاومت را از بین ببرند و ملت را از صحنه خارج کنند؛ اما نتیجه برعکس شد. با شهادت ایشان، نه تنها جبهه مقاومت تضعیف نشد، بلکه حضور مردم در مساجد و میدان‌ها پررنگ‌تر شد. حجت‌الاسلام طائب تصریح کرد: امروز در پایگاه‌های مقاومت، هم حضور مردم در مسجد و هم حضور آنان در میدان‌های اجتماعی و سیاسی دیده می‌شود؛ مردمی با سلیقه‌ها و رفتارهای متنوع که در برابر استکبار ایستاده‌اند و این ایستادگی را به نمایش گذاشته‌اند. وی با



حجت‌الاسلام والمسلمین حسین طائب، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، صبح امروز ۳۱ مردادماه در چهارمین آیین

چند روز پس از هجمه عجیب قالیباف به صداوسیما، فرمانده کل سپاه از این سازمان قدردانی کرد

رضایت میدان از
رزمندگان جنگ رسانه

چند روز پس از انتقادات تند محمدباقر قالیباف از عملکرد صداوسیما، تقدیر معنادار فرمانده کل سپاه از پیمان جبلی و نقش رسانه ملی در روایت «حماسه ملت ایران»، بار دیگر جایگاه این رسانه و اختلاف رویکرد مسئولان ارشد کشور درباره عملکرد آن را به کانون توجهات بازگرداند؛ پیامی که بر نقش صداوسیما در تقویت انسجام ملی و مقابله با روایت‌سازی دشمن تأکید دارد.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

متن کامل پیام سرلشکر و حیدری فرمانده سپاه پاسداران خطاب به جبلی رئیس سازمان صداوسیما را در ادامه می‌خوانید:

برادر ارجمند جناب آقای دکتر پیمان جبلی
رئیس محترم سازمان صداوسیما
جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم؛

در هنگامه‌ای که ملت بزرگ ایران با اتکال به خداوند متعال

و در سایه ایمان، بصیرت و وحدت ملی، برگ دیگری از عزت و اقتدار خویش را در تاریخ این سرزمین رقم زد، حماسه‌آفرینی رزمندگان اسلام در کنار حضور آگاهانه، مؤمنانه و استوار مردم، جلوه‌ای ماندگار از پیوند عمیق ملت و میدان دفاع از ایران اسلامی پدید آورد؛ حماسه‌ای که عظمت آن تنها در صحنه رویارویی و ایستادگی رقم نخورد، بلکه در عرصه روایت و تبیین بازنمایی حقیقت، پاسداشت واقعیت‌های میدان و مقابله با تحریف و روایت‌سازی دشمن بود.

رسانه ملی در این آوردگاه، با حضور مؤثر و هوشمندانه، در روایت حماسه رزمندگان و بازتاب حضور و همراهی مردم، تبیین اقتدار و انسجام ملی، صیانت از حقیقت و تقویت روحیه عزت، امید و مقاومت نقشی شایسته ایفا نمود و در ثبت و ماندگار ساختن این حماسه در حافظه افکار عمومی، سهمی ارزشمند در تقویت جبهه رسانه‌ای انقلاب اسلامی بر عهده گرفت. همزمان با گرامیداشت روز خبرنگار، بر خود لازم می‌دانم از جناب‌عالی و همه مدیران، خبرنگاران، گزارشگران، تصویربرداران، تهیه‌کنندگان و خانواده بزرگ رسانه ملی که

در این جهاد رسانه‌ای نقش‌آفرینی کردند، صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم و مجاهدت ارزشمند آنان را در پاسداری از حقیقت، روایت صادقانه حماسه ملت ایران و بازتاب جلوه‌های ماندگار همدلی و ایستادگی مردم ارج نهم؛ مجاهدتی که در ثبت این حماسه در حافظه تاریخی ملت و تقویت جبهه رسانه‌ای انقلاب اسلامی، شایسته تقدیر و تکریم است.

این مجاهدت ارزشمند و نقش‌آفرینی مؤثر، در شمار جلوه‌های ماندگار خدمت به حقیقت، عزت ایران اسلامی و پاسداری از سرمایه‌های ملی و انقلابی قرار دارد و بی‌تردید، برگ درخشان در کارنامه اصحاب رسانه در صیانت از حقیقت و روایت عزتمندانه حماسه ملت ایران خواهد بود. از درگاه خداوند متعال، برای جناب‌عالی و تمامی مدیران و همکاران ارجمند رسانه ملی، عزت و سربلندی مسئلت دارم و توفیق روزافزون آن مجموعه را در سایه عنایات حضرت ولی عصر (عج) و رهنمودهای حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌عظمی امام سیدمجتبی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) خواستارم. سرلشکر پاسدار احمد وحیدی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



نتیجه واگذاری ایران خودرو فقط گرانی بود



واگذاری مدیریت ایران خودرو به بخش خصوصی، با هدف ارتقای کیفیت محصولات و بهبود عملکرد این خودروساز انجام شد؛ با این حال، طی یک سال و نیم پس از این واگذاری، قیمت کارخانه‌ای محصولات ایران خودرو به طور میانگین ۱۷۰ درصد افزایش یافته است. در همین حال عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، در مورد تصمیم رئیس جمهور و معاون اول رئیس جمهور برای تدوین سند تازه جهت سیاست گذاری صنعت خودرو با رویکرد استفاده از ظرفیت دانش نخبگان کشور، گفت: تدوین سند برای صنعت خودرو قطعاً ضروری است؛ سندی که براساس آن، یک جمعیت نخبه و متخصص در حوزه خودرو، ریل گذاری قانونی داشته باشند تا بدانیم آینده و نحوه حکمرانی در صنعت خودرو به چه صورت خواهد بود. محمد رستمی در گفت و گو با خانه ملت تصریح کرد:

که تنها نتیجه واگذاری ایران خودرو، گرانی خودروها بوده است و هیچ تفاوتی نیز در کیفیت آنها ایجاد نشده و اهداف تعیین شده در این حوزه محقق نشده است. البته ما هشدارهای لازم را در این زمینه در مجلس داده بودیم و اعمال ماده ۲۲۴ را نیز برای نحوه واگذاری ایران خودرو تصویب کرده و جهت رسیدگی به قوه قضائیه ارسال کرده بودیم. رستمی اظهار کرد: وقتی واگذاری ایران خودرو نتیجه مثبتی به همراه نداشته است، قطعاً واگذاری سایر سهام دولتی نیز پاسخگوی نیاز حوزه خودرو نیست و پس از این، دولت نمی تواند در سیاست گذاری صنعت خودرو نقشی داشته باشد. عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس تأکید کرد: وقتی سهام دولتی در خودروسازی‌ها به طور کامل واگذار شود، دولت نمی تواند به عنوان تنظیم گر، با تدوین سند و تعیین چشم انداز در حوزه خودرو اعمال قدرت کند.

این موضوع از تکالیف وزارت صنعت، معدن و تجارت است که بتواند سیاست گذاری و استراتژی دقیقی در این حوزه داشته باشد و صنعت خودروسازی کشور بر مبنای آن حرکت کند. وقتی سهام دولتی در خودروسازی‌ها به طور کامل واگذار شود، دولت نمی تواند به عنوان تنظیم گر، با تدوین سند و چشم انداز در حوزه خودرو اعمال قدرت کند.

وی با اشاره به واگذاری خودروسازی‌ها، یادآور شد: هم‌اکنون که بیش از یک سال از واگذاری مدیریت ایران خودرو می‌گذرد، لازم است عملکرد آن مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد تا مشخص شود چه نقایص و چه نکات مثبتی داشته است و چه میزان از اهداف تعیین شده برای واگذاری خودروسازی‌ها را محقق کرده است. این نماینده مردم در مجلس گفت: آنچه در سطح جامعه مشاهده می‌شود، حاکی از این است

گزارش جدید مرکز آمار از تورم بخش‌های کشاورزی نشان می‌دهد؛

تورم ۲۰۰ درصدی تولید غذا در دولت پزشکیان

تازه‌ترین گزارش مرکز آمار از تورم تولیدکننده بخش کشاورزی، تصویری نگران‌کننده از هزینه تولید در یکی از حیاتی‌ترین بخش‌های اقتصاد، یعنی بخش تولید غذا، ارائه می‌دهد؛ جایی که تورم نقطه به نقطه در مرغداری‌های صنعتی از ۲۰۰ درصد عبور کرده و در گاوداری‌های صنعتی و بخش زراعت، باغداری و دامداری سنتی نیز به بیش از ۱۰۰ درصد رسیده است. به بیان ساده، هزینه تولید بسیاری از محصولات کشاورزی در فاصله یک سال بیش از دو برابر شده است. نکته قابل تأمل تر، اما مقایسه این ارقام با دو سال قبل است؛ زمانی که همین شاخص‌ها بسیار پایین‌تر بودند.



حمید کمار
روزنامه نگار

مرکز آمار روز گذشته جزئیات تورم تولیدکننده بخش کشاورزی در بهار امسال را منتشر کرد. کلیت ارقام مطابق انتظار بود؛ جهش اکثر شاخص‌های تورم، سه رقمی شدن برخی شاخص‌های تورم و ثبت رکوردهای جدید، مواردی بود که پیش از انتشار این گزارش‌ها نیز قابل انتظار بود. با این حال، برخی از ارقام تورم در گزارش جدید مرکز آمار به حدی بالا بود که بسیاری را غافلگیر کرد.

بدترین وضعیت تورمی در فصل نخست امسال در زیربخش‌های کشاورزی، مربوط به بخش مرغداری‌های صنعتی بود. این بخش در سه ماهه نخست سال جاری، تورم فصلی ۶۲.۹ درصدی را تجربه کرد که بالاترین تورم فصلی این بخش در تمام ادوار محسوب می‌شود و نسبت به فصل قبل، یعنی ۴۱.۶ درصد، ۲۱.۳ واحد درصد بیشتر شد. همچنین تورم نقطه به نقطه این بخش در بهار امسال ۲۱۱.۲ درصد بود که در مقایسه با فصل قبل، یعنی ۱۰۸.۴ درصد، ۱۰۲.۸ واحد درصد افزایش داشته است. تورم سالانه این بخش هم در بهار امسال از مرز ۱۰۰ درصد عبور کرد و سه رقمی شد و با ثبت رکورد ۱۰۲ درصدی، نسبت به فصل قبل، یعنی ۵۳.۹ درصد، رشد ۴۸.۱ واحد درصدی را تجربه کرد.

تورم سه رقمی برای تولید گوشت قرمز

گاوداری‌های صنعتی هم در بهار امسال رکورد جدید تورم نقطه به نقطه خود را ثبت کردند. این بخش در بهار امسال تورم نقطه به نقطه ۱۴۵.۳ درصدی را تجربه کرد که نسبت به فصل قبل، یعنی ۱۳۰.۸ درصد، ۱۴.۵ واحد درصد افزایش داشته است. تورم سالانه این بخش هم در بهار امسال به آستانه سه رقمی

نبلض اقتصاد

صندوق بین‌المللی پول:

ذخایر نفت در حال اتمام است

بازار جهانی نفت در یکی از کم‌سابقه‌ترین دوره‌های اختلال عرضه قرار گرفته است؛ بحرانی که تنگه هرمز را به مهم‌ترین نقطه حساس بازار انرژی تبدیل کرده است. اکنون صندوق بین‌المللی پول گزارش داد که جنگ علیه ایران و اختلال در عبور نفت از این آب‌راه راهبردی، روزانه بیش از ۲۰ میلیون بشکه نفت خام و فرآورده‌های نفتی را از چرخه عرضه خارج کرده؛ حجمی معادل یک پنجم مصرف جهانی نفت. با وجود چنین شوک بزرگی، قیمت نفت برخلاف انتظار بسیاری از ناظران در سطوح بسیار بالاتر تثبیت نشد و پس از جهش اولیه، در محدوده ۹۰ تا ۱۰۰ دلار در هر بشکه قرار گرفت. به اعتقاد صندوق بین‌المللی پول، چند عامل موقت مانع از تبدیل این اختلال به یک بحران قیمتی شدیدتر شد؛ عواملی که اکنون بخش قابل توجهی از ظرفیت خود را از دست داده‌اند.

پیش از آغاز درگیری، بازار جهانی روزانه حدود دو میلیون بشکه مازاد عرضه نسبت به تقاضا داشت. پس از آن نیز کاهش مصرف، افزایش تولید در خارج از خلیج فارس و برداشت از ذخایر جهانی، امکان جبران بخشی از کسری را فراهم کرد. در فاصله مارس تا می، کسری بازار به طور متوسط حدود چهار میلیون بشکه در روز برآورد شد که تقریباً به طور کامل از محل ذخایر تجاری و راهبردی، به‌ویژه ذخایر چین، تأمین شد. در بخش تولید نیز آمریکا نقش اصلی را در افزایش عرضه خارج از خلیج فارس ایفا کرد و ونزوئلا، گویان و روسیه نیز تولید خود را افزایش دادند.

با این حال، این افزایش تولید برای جبران کامل اختلال ناشی از بسته شدن تنگه هرمز کافی نبود. اهمیت تنگه هرمز تنها به نفت خام محدود نمی‌شود. کاهش تولید فرآورده‌های نفتی در کشورهای حاشیه خلیج فارس، به‌ویژه گازوئیل و سوخت جت، فشار مضاعفی بر بازار وارد کرده است؛ منطقه‌ای که حدود ۱۰ درصد از عرضه جهانی این فرآورده‌ها را تأمین می‌کند. اکنون نگرانی اصلی بازار، کاهش ذخایر است. صندوق بین‌المللی پول هشدار داد که بخش عمده ظرفیت‌های جذب شوک اولیه مصرف شده و ذخایر جهانی به سمت سطوح حداقلی عملیاتی حرکت می‌کنند. رسیدن ذخایر به پایین‌تر از این سطح می‌تواند بازار فیزیکی نفت را با محدودیت‌های ساختاری مواجه کند. حتی در صورت بازگشایی کامل تنگه هرمز نیز بازگشت سریع بازار به شرایط عادی تضمین شده نیست. در چنین شرایطی، تنگه هرمز همچنان گلوگاه اصلی بازار نفت جهان است و هرگونه تداوم اختلال در آن، می‌تواند فشار بر قیمت‌ها، هزینه حمل و نقل و ذخایر جهانی را تشدید کند. خطر اصلی دیگر صرفاً افزایش قیمت نفت نیست؛ بلکه کاهش ذخایر به سطحی است که انعطاف‌پذیری بازار در برابر شوک‌های بعدی را به شدت محدود کند.

رشد ۱۹.۷ واحد درصدی را نشان می‌دهد.

منتقدان دیروز دولت سیزدهم؛ رکوردداران امروز تورم

مقامات دولت چهاردهم اکنون در حالی شاهد ثبت رکوردهای بی‌سابقه تورم در بخش تولید و خصوصاً تولید غذا هستند که دو سال پیش در همین ایام، دولت سیزدهم را بابت تورم‌های به مراتب پایین‌تر از این، به باد انتقاد گرفته بودند. بررسی پیشینه تورم بخش کشاورزی نشان می‌دهد تورم نقطه به نقطه در هر سه زیربخش کشاورزی در بهار امسال، نسبت به تابستان ۱۴۰۳، بین ۵ تا ۱۵ برابر شده است.

تورم نقطه به نقطه مرغداری صنعتی که در تابستان ۱۴۰۳ معادل ۲۰ درصد بود، در بهار امسال به ۲۱۱.۲ درصد رسید که جهش بیش از ۱۰ برابری را نشان می‌دهد. بخش گاوداری صنعتی هم از تورم نقطه به نقطه ۹.۸ درصدی به رکورد ۱۴۵.۳ درصدی رسید که جهش ۱۵ برابری را نشان می‌دهد. بخش زراعت، باغداری و دامداری سنتی هم از تورم ۲۶ درصدی به تورم ۱۲۶.۱ درصدی رسید که جهش ۵ برابری داشته است.

شدن رسیده و رکورد ۹۷.۷ درصدی را ثبت کرده است که نسبت به فصل قبل، یعنی ۶۵.۲ درصد، ۳۲.۵ واحد درصد افزایش داشته است. بخش گاوداری‌های صنعتی در بهار امسال تنها در شاخص تورم فصلی، نسبت به زمستان سال گذشته، وضعیت بهتری داشته است. این بخش در بهار امسال تورم فصلی ۲۱.۸ درصدی داشته که نسبت به رقم ۴۳ درصدی زمستان سال گذشته، ۲۱.۲ واحد درصد کاهش داشته است.

تورم ۱۲۶ درصدی بخش سنتی کشاورزی

بخش زراعت، باغداری و دامداری سنتی هم در بهار امسال، با ثبت تورم نقطه به نقطه ۱۲۶.۱ درصدی، برای اولین بار به محدوده سه رقمی رسید. این شاخص در زمستان سال گذشته ۷۴.۱ درصد بوده است. مقایسه این دو رقم نشان می‌دهد تورم نقطه به نقطه این بخش تنها در طول یک فصل، ۵۲ واحد درصد افزایش داشته است. تورم سالانه این بخش هم در بهار امسال ۸۳.۴ درصد بود که نسبت به فصل قبل، یعنی ۶۳.۷ درصد،

تورم نقطه به نقطه تولیدکننده در زیربخش‌های کشاورزی (درصد)

نام بخش	تابستان ۱۴۰۳	بهار ۱۴۰۵
 مرغداری صنعتی	۲۰	۲۱۱.۲
 گاوداری صنعتی	۹.۸	۱۴۵.۳
 زراعت، باغداری و دامداری سنتی	۲۶	۱۲۶.۱

منبع: مرکز آمار ایران

رمزگشایی «نوبنیاد» از عملیات روانی دولت برای توجیه تورم و پروژه «پول نداریم»؛

آدرس غلط به داخل، گرای تسلیم به خارج

جنگ سخن می‌گوید و هم‌زمان، ماشین رسانه‌ای اصلاح‌طلبان و روزنامه‌هایی چون «سازندگی» با تیتروهای وحشت‌آفرین از سخنان عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، تلاش می‌کنند ترس و ناامیدی را به جامعه القا کنند؛ هدف، ایجاد فشار روانی از پایین برای تحمیل مذاکره و سازش در بالا است.

در روزهایی که اقتصاد ایران درگیر تبعات یک جنگ ترکیبی تمام‌عیار است، اتاق‌فکرهای رسانه‌ای و اقتصادی دولت چهاردهم به جای آرایش جنگی و ارائه برنامه‌های مدون برای عبور از بحران، در حال پیاده‌سازی یک پروژه خطرناک «سیاه‌نمایی» هستند. مسعود پزشکیان با صراحت از تمایل برای پایان دادن به



نیماسوهیلی

روزنامه نگار

دولت چهاردهم با تصمیمات خود، به‌ویژه در حوزه ارزی، مشکلات اقتصادی بخش تولید و معیشت خانوارها را چند برابر کرده است. اگرچه هیچ اقتصاددانی منکر اثرات جنگ بر اقتصاد نیست، اما واقعیت غیرقابل انکار این است که اثرات فاجعه‌بار تصمیمات دولت پزشکیان مدت‌ها قبل از آغاز جنگ و از همان شهریور ۱۴۰۳، اقتصاد ایران را در مسیر رشد تورم و جهش قیمت‌ها قرار داد؛ بحرانی که خود را از نیمه‌دی‌ماه سال گذشته با اجرای مرحله دیگری از سیاست ارزی با تمام‌قوا نشان داد و رکورد تورم را به نام این دولت ثبت کرد. حالا که آقایان برنامه‌ای جز افزایش قیمت‌ها و دست‌کردن در جیب مردم ندارند، از یک سو با کلیدواژه «پول نداریم» به دونالد ترامپ و کاخ سفید سیگنال ضعف و استیصال می‌فرستند و از سوی دیگر، بارها سازی بازار ارز (بخوانید گرانی)، هزینه این بی‌کفایتی را به ملت تحمیل می‌کنند.

دروغی برای ایجاد رعب

عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، هفته گذشته در یک گفت‌وگو و تلویزیونی ادعایی عجیب مطرح کرد و گفت که صادرات نفت و درآمد نفتی ایران «صفر» شده است. این سخن رئیس بانک مرکزی دولت پزشکیان، به تیتریک روزنامه «سازندگی» (ارگان رسانه‌ای حزب کارگزاران و حامی اصلی دولت) با عنوان «صادرات نفت صفر» تبدیل شد. هدف برخی جریان‌ها در درون دولت پزشکیان این است که باین اظهارات غیرمسئولانه، فضای اقتصادی را به سمت سیاه‌نمایی مطلق ببرند تا به جای پاسخ‌گویی به رکورد شکنی تورم، مردم را از آینده بترسانند؛ اما آیا واقعاً صادرات نفت ایران الان صفر است؟

بررسی دقیق آمارهای بین‌المللی نشان می‌دهد که این ادعا هیچ هم‌خوانی و قرباتی با واقعیت‌های میدانی ندارد. طبق آمارهای مؤسسه رهگیری خطوط کشتیرانی «کپلر»، ایران در حال حاضر حدود ۸۳ میلیون بشکه نفت روی آب دارد و از همین محل، صادرات و فروش نفت خود را ادامه می‌دهد. آنچه در عالم واقع تقریباً متوقف شده، جریان عبور نفت ایران از سد محاصره است، نه خود صادرات و درآمدهای نفتی کشور. در قانون بودجه امسال، درآمدهای نفتی کشور ماهانه حدود ۳ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است. با یک محاسبه ساده اقتصادی، با قیمت فعلی نفت که معادل ۹۰ دلار است، تنها با فروش روزانه ۱۰۱ میلیون بشکه از همان ذخایر روی آب، این درآمد بودجه‌ای به‌طور کامل تأمین می‌شود. حتی

با همین میزان تخلیه ۱۰۱ میلیون بشکه در روز، امکان فروش نفت تا ۷۵ روز دیگر (یعنی اواسط آبان‌ماه) بدون نیاز به عبور حتی یک قطره نفت جدید از محاصره وجود دارد. از طرف دیگر، با توجه به تأخیر حداقل ۲ ماهه در بازگشت ارز حاصل از صادرات نفت (سیکل طبیعی تسویه ارزی)، درآمد نفتی ایران به صورت قطعی تا دی‌ماه تضمین شده است. پس تیترزدن برای «صادرات صفر» چیزی جز بازی در زمین دشمن نیست.

دولت پول دارد؟

در همین حال، مسعود پزشکیان در تریبون‌های مختلف بارها تکرار می‌کند که «دولت پول ندارد» و «پول نداریم». مثلاً گفت: «پارسال ۶ میلیارد دلار بنزین وارد کردیم، اما امسال پول نداریم»، «وقتی پول نداریم توقع ایجاد کنکیم» یا «هزینه‌ها چند برابر شده، نفت نمی‌توانیم بفروشیم»؛ این‌ها تنها نمونه‌هایی از پالس‌هایی است که وی به جامعه و البته به اتاق جنگ اقتصادی آمریکا مخابره می‌کند. اما آیا واقعاً پولی در بساط نیست؟ در حالی که رئیس دولت چنین تصویری می‌سازد، عبدالناصر همتی هفته گذشته اعلام کرد که از دی‌ماه تاکنون ۱۰۴ میلیارد دلار به ذخایر بانک مرکزی اضافه شده است. جالب‌تر آنکه همین آقای همتی در خردادماه امسال گفته بود: «از اول جنگ تا الان ۴۰۵ میلیارد دلار به ذخایر ارزی کشور اضافه شده است». طبق اعلام وزارت نفت نیز، تنها در ۴ ماهه ابتدای امسال، بالغ بر ۷۰۵ میلیارد دلار ارز حاصل از فروش نفت در اختیار بانک مرکزی قرار گرفته است. تناقض میان «خزانه خالی» در روایت پزشکیان و «افزایش میلیارد دلاری ذخایر»، نشان‌دهنده یک پنهان‌کاری سیستماتیک برای توجیه گرانی‌ها و گرانی‌سازی است.

درآمد نفتی کشور سه برابر شد

حجت‌العهیدالملکی، وزیر اسبق تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در گفت‌وگویی می‌گوید: «درآمدهای ارزی کشور در طول جنگ رمضان کاهش پیدا نکرد، بلکه حتی افزایش هم داشته است. قیمت نفت ایران نسبت به قبل از جنگ تا ۸۵ درصد افزایش یافت. فروش نفت ایران نیز در هفته‌هایی که می‌توانستیم صادر کنیم، ۱۰۵ برابر شده بود. از محل این دو عامل، یعنی افزایش ۵۰ درصدی فروش نفت در کنار افزایش ۸۵ درصدی قیمت، درآمدهای نفتی ایران ۲۰۷ برابر شده است. وی تصریح کرد: «علاوه بر این، کشورمان ده‌ها میلیون بشکه نفت روی آب داشته است که همه آن‌ها در طول جنگ رمضان، به فروش رفت.» وزیر اسبق کار در دولت سیزدهم گفت: «حالا ممکن است بگویند، در برخی هفته‌ها نیز فروش

نفت ما کاهش پیدا کرده است؛ این در حالی است که درآمد نفتی‌مان در زمان‌های فروش، تقریباً سه برابر شده است. البته در برخی هفته‌ها نیز به دلیل مشکلات محاصره، فروش نفت کمتر شده ولی در مجموع، فروش نفت و درآمد نفتی‌مان در طول جنگ رمضان بیشتر شده است؛ بنابراین، شوک ارزی از محل کمبود منابع ارزی نداریم. اکنون نیز اطلاع داریم که منابع ارزی کشور در وضعیت خوبی به سر می‌برد.»

در حالی که دولت ناتوانی خود را پشت جنگ پنهان می‌کند، دیوان محاسبات کشور از شناسایی ۷۷ هزار میلیارد تومان سود خالص بانک مرکزی از تورم و ناترازی خیرداد و اعلام کرد که بررسی صورت‌های مالی سال ۱۴۰۴ بانک مرکزی نشان می‌دهد این بانک در زمره سودده‌ترین شرکت‌های دولتی قرار دارد که با توجه به جایگاه حاکمیتی آن، بازتابی از ناترازی ساختار پولی و مالی کشور است. بخش عمده این سود تحت تأثیر جهش نرخ ارز، آثار تسعیر دارایی‌های ارزی و سود حاصل از فروش طلا شکل گرفته است. همچنین، انتشار اوراق مالی برای تأمین کسری منابع دولت، موجب درگیر شدن منابع شبکه بانکی در خرید این اوراق شده و افزایش نیاز بانک‌ها به نقدینگی، افزایش درآمدهای ناشی از عملیات بازار باز (تأمین نقدینگی بانک‌ها توسط بانک مرکزی در قبال اوراق) را در پی داشته که برآیند آن، تشدید ناترازی شبکه بانکی، افزایش اتکال آن به منابع بانک مرکزی و در نهایت رشد نقدینگی بوده است.

واکنش عذر بدتر از گناه بانک مرکزی

بانک مرکزی در واکنش به افزایش ذخایر ارزی این بانک در سخنان همتی، اعلام کرد: رقم ۴۰۵ میلیارد دلار که پیش‌تر به آن اشاره شده، مربوط به خرید ارز از بازار داخلی و جمع‌آوری مازاد عرضه ارز در چارچوب مدیریت بازار و عملیات ارزی بانک مرکزی بوده است. بنابراین، این رقم به معنای ورود منابع ارزی جدید از محل درآمدهای نفتی یا منابع خارجی به ذخایر کشور نیست. در خصوص افزوده شدن ۱۰۴ میلیارد دلار به ذخایر اسکناس نیز خاطر نشان می‌شود این منابع نیز از بازار داخلی جمع‌آوری شده است. طبق اعلام این بانک، از دی‌ماه سال گذشته تاکنون در چارچوب عرضه ارز توافقی با کارت ملی در صرفای‌ها، یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار در این طرح خریداری و تنها ۳۰۰ میلیون دلار عرضه شده که به معنای افزایش خالص یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلاری ذخایر اسکناس بانک مرکزی است. بنابراین برداشت‌های صورت‌گرفته از این موضوع و انتساب آن به ادعای وجود منابع ارزی جدید یا در اختیار بودن منابع حاصل از فروش نفت، فاقد دقت لازم است.

تالار شیشه‌ای

فتح ۶ میلیونی بورس؛ پایان هیجان یا آغاز موج تازه؟

معاملات بازار سهام دیروز (۳۱ مرداد ۱۴۰۵) با تداوم موج تقاضا و سبزی‌پوشی ۹۳ درصد نمادها آغاز شد. در پایان دادوستدها، ۷۲۱ نماد در محدوده مثبت قرار گرفتند و تنها ۹۹ نماد با کاهش قیمت مواجه شدند. همچنین، برای ۴۳۶ نماد صف خرید تشکیل شده بود، در حالی که تعداد صف‌های فروش به ۱۹ نماد می‌رسید. دیروز، شاخص ۳۸ صنعت از ۴۱ صنعت فعال بازار سهام با افزایش همراه شد و فقط دو صنعت کاهش شاخص را تجربه کردند. همچنین، شاخص ۱۸ صنعت بار دیگر به بالاترین سطح تاریخی خود رسید.

شاخص کل بورس تهران، به عنوان نماگر اصلی بازار، در همان دقایق ابتدایی کانال ۶ میلیون واحد را برای نخستین بار فتح کرد. شاخص کل تا محدوده ۶ میلیون و ۸۴ هزار واحد پیشروی کرد و سقف تاریخی تازه‌ای را به ثبت رساند؛ هرچند در ادامه، با افزایش فروش‌ها، حدود ۲۳ هزار واحد از رشد خود را پس داد. در نهایت، با افزایش ۱۰۲ هزار و ۸۶۷ واحدی (۱۰۸۳ درصد)، در ارتقاع ۶ میلیون و ۶۱ هزار و ۵۵۳ واحد ایستاد. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۳۰ هزار و ۷۷۸ واحدی (۱۰۸۳ درصد) به یک میلیون و ۷۱۷ هزار و ۶۸۳ واحد رسید. نزدیکی میزان رشد دو شاخص نشان می‌دهد موج تقاضا و روند صعودی در بخش گسترده‌ای از بازار جریان داشته و تنها محدود به شرکت‌های بزرگ و شاخص‌ساز نبوده است. شاخص کل فرابورس نیز با ۸۵۴ واحد رشد، معادل ۱۰۷۹ درصد، به ۴۸ هزار و ۷۰۸ واحد رسید.

ارزش معاملات خرد نیز به ۳۰ هزار و ۹۵۱ میلیارد تومان رسید و حقیقی‌ها در نخستین روز هفته، بیش از ۲ هزار و ۶۵۰ میلیارد تومان پول وارد چرخه سهام و صندوق‌های سهامی کردند؛ در مقابل، ۶ هزار و ۶۷۱ میلیارد تومان از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شد. ارزش کل بازارهای سهام (بورس، بازار پایه و فرابورس) در محدوده ۲۰ هزار و ۴۵۳ میلیارد تومان قرار گرفت. بازار سهام در سال جاری پس از ۸۲ روز تعطیلی، از ۱۲۹ روزهیشت‌ماه امسال بازگشایی شد و تا آخرین روز مردادماه روندی صعودی داشت. شاخص بورس طی این مدت رشد ۶۳٫۲ درصدی، معادل ۲ میلیون و ۳۴۷ هزار واحد، را ثبت کرده است. شاخص هم‌وزن نیز که تصویر دقیق‌تری از وضعیت عمومی بازار نشان می‌دهد، طی این مدت بازدهی ۸۰۰٫۲ درصدی را تجربه کرده است.

بازار سهام به کدام سو می‌رود؟

محمد غفوری، کارشناس بازار سرمایه، می‌گوید: یکی از مهم‌ترین بازارهای رقیب بازار سهام را می‌توان بازار بانکی دانست و اظهارات رئیس کل بانک مرکزی مبنی بر اینکه فعلاً در کوتاه‌مدت خبری از افزایش نرخ بهره بانکی نخواهد بود، برای بازار سرمایه خبر مثبتی ارزیابی شد. او ادامه داد: یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند باعث خروج نقدینگی از بازار سهام شود، بالا بودن نرخ بهره و شرایط انقباضی است که بانک مرکزی می‌تواند در پیش بگیرد؛ بنابراین، خبر عدم افزایش نرخ بهره، اثر مثبتی بر بازار سرمایه داشته است. غفوری با اشاره به توسعه ابزارهای غیرمستقیم سرمایه‌گذاری اظهار کرد: در شرایط فعلی، راه‌های غیرمستقیم سرمایه‌گذاری نیز در بازار وجود دارد تا اتفاقات تلخ سال ۱۳۹۹ برای سرمایه‌گذاران تکرار نشود و خوشبختانه طی چند سال اخیر، ابزارهای غیرمستقیم سرمایه‌گذاری رونق زیادی پیدا کرده‌اند. این فعال بورس ادامه داد: بازار سهام نیز در صورت نبود ریسک جنگ، همچنان می‌تواند در مقایسه با بازارهای موازی کارنامه خوبی ثبت کند.

برای شاخص بورس در کوتاه‌مدت، محدوده ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار واحد را هدف بعدی بازار ارزیابی می‌کنم. پس از تثبیت شاخص کل بالای ۶ میلیون واحد، ایستگاه مقاومتی بعدی بازار سرمایه، محدوده ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار واحد خواهد بود. کارشناسان می‌گویند: رشد شتابان می‌تواند زمینه‌ساز افزایش عرضه و نوسانات کوتاه‌مدت در روزهای آینده باشد. بازارها معمولاً پس از فتح کانال‌های روانی مهم، نیازمند اصلاح، دست‌به‌دست شدن سهام و سنجش توان خریداران برای حفظ سطح جدید هستند.



پالس استیصال و سازش از دولت

دولت چهاردهم در حالی برای مذاکره و سازش بی‌تابی می‌کند و سیگنال ضعف به ترامپ می‌فرستد که اقتصاد آمریکا زیر بار بسته ماندن تنگه هرمز در حال فروپاشی تدریجی است. نشریه آمریکایی «پولیتیکو» نوشت که تیم مدیریتیتی خزانه‌داری مشکلات و فشارهای به‌وجودآمده در حال کوچک شدن است و مقامات در حال فرار از مسئولیت هستند. خروج مقامات از وزارت خزانه‌داری در شرایطی رخ می‌دهد که «اسکات بسنت»، وزیر خزانه‌داری آمریکا، قرار است در جنگ علیه ایران نقش پررنگ‌تری ایفا کند؛ آن هم در حالی که دولت ترامپ هدف خیالی خود را دستیابی به «بزرگ‌ترین انزوای اقتصادی هماهنگ در تاریخ جهان» اعلام کرده است.

بین الملل

نیویورک تایمز: قدرت انصارالله یمن را دست کم نگیرید!

روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی نوشت: انصارالله یمن می‌تواند کشتیرانی تجاری در تنگه باب‌المندب، گذرگاه دریایی باریکی در ورودی دریای سرخ که بین ۱۲ تا ۱۵ درصد تجارت دریایی جهان از آن عبور می‌کند را مختل کند. در سوی دیگر دریای سرخ، کانال سوئز قرار دارد که مسیری حیاتی برای نفت و گاز طبیعی مایع صادراتی به بازارهای آمریکای شمالی و اروپا است. با توجه به اینکه ایران عملاً تنگه هرمز را بسته است، انصارالله اکنون در موقعیت قدرت استثنایی قرار گرفته است.

انصارالله یمن پیشتر در جریان جنگ غزه در بازه زمانی ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵ با حملات پهپادی، موشکی و قایق‌های انفجاری به کشتی‌ها در دریای سرخ، هزینه بیمه کشتی‌ها را تا ۲۰ برابر افزایش داد و عملاً این مسیر را به تعطیلی کشاند. ماه گذشته نیز حملات خود را از سر گرفت و نفتکش‌های مرتبط با عربستان و زیرساخت‌های انرژی این کشور را هدف قرار داد. اخیراً هم در ۱۲ اوت، یک حمله به کشتی باری منجر به اولین تلفات انسانی در این دور از حملات شد. نباید انصارالله یمن را صرفاً به عنوان یک گروه مقاومت در نظر گرفت؛ حتی اگر توافقی با ایران حاصل شود، تضمینی برای توقف اقدامات این گروه یمنی وجود ندارد. با بسته شدن همزمان دو تنگه هرمز و باب‌المندب، تأثیرات اقتصادی بسیار شدیدتر از گذشته خواهد بود و هزینه نفت و تورم به طور چشمگیری افزایش می‌یابد.



دوران ریاست جمهوری دوم ترامپ در تاریخ آمریکا بی‌سابقه است

فاسدترین مستاجر کاخ سفید

دولت ترامپ از نظر مالی و تعهدات اخلاقی حین ریاست جمهوری، عملاً به باور بسیاری از کارشناسان، بدل به فاسدترین دوره ریاست جمهوری آمریکا شده است؛ دوره‌ای که رئیس‌جمهورش به هیچ چیزی جز ثروت‌اندوزی و نفع شخصی نمی‌اندیشد و تمام همت خود را معطوف به انباشت سرمایه خانودگی خود کرده است. گاردین در گزارش خود به این مسئله می‌پردازد.

عمل او برای استفاده از هرگونه قدرت نظامی، اقتصادی یا سیاسی در راستای آنچه که برتری آمریکا می‌پندارد؛ اما ظاهراً این همان ذهنیتی است که او برای پر کردن جیب خود و خانواده‌اش نیز به کار می‌بندد. در دولت‌های پیشین، چنین اقداماتی قطعاً پیامدهای سیاسی و چه بسا استیضاح به دنبال داشت.

یکی از وقیحانه‌ترین راه‌های پول‌درآوردن ترامپ، بازی‌ای است که او در انتشار پست‌هایش در شبکه اجتماعی خودش به راه انداخته «شرکت رسانه‌ای او، یعنی «ثروت سوشال» یکی دیگر از منابع اصلی ثروت‌اندوزی‌اش بوده است. اکنون طرح جدیدی در دست است تا امکان دسترسی زود هنگام به پست‌های او با پرداخت مبلغ ۱۰۰ هزار دلار فراهم شود. البته این پست‌ها قدرت آن را دارند که بازارهای مالی را دستخوش تغییر کنند. این اقدام با انتقادات شدیدی روبه‌رو شده و سازمان‌های رسانه‌ای و گروه‌های حامی آزادی‌های مدنی نظیر «بنیاد آزادی مطبوعات» با استدلال مغایرت آن با قانون اساسی، دست به شکایت زده‌اند. اما تا به امروز، مانند بسیاری از کارهای دیگر ترامپ، این طرح نیز با وقاحت تمام به پیش می‌رود.

جذاب‌ترین تمثیل متن گاردین، پایان‌بندی گزارش است که ترامپ را کودک حریصی تشبیه می‌کند که دست در سینی شیرینی می‌برد «او همچون کودکی نوپا و طمع‌کار، مدام دستش را درون ظرف شیرینی ریاست جمهوری فرو می‌برد و تا به اینجای کار، به نظر می‌رسد هیچ‌کس قادر نیست دست او را از این ظرف بیرون بکشد».

گاردین گفت: «در حالی که هنوز نیمی از دور دوم ریاست جمهوری ترامپ نگذشته است، دولت او از همین حالا به عنوان علناً فاسدترین دولت در تاریخ ما شناخته می‌شود». علی‌رغم پایگاه هواداران وفادارش، بخش عمده‌ای از افکار عمومی آمریکا از این وضعیت خشنود نیستند.

در نظرسنجی سی‌ان‌ان، دوسوم از مردم آمریکا اعلام کردند که این رئیس‌جمهور، منافع ایالات متحده را بر منافع شخصی خود ترجیح نمی‌دهد. بر اساس نظرسنجی جدید رویترز/ایپسوس، میزان محبوبیت کلی او با سقوطی چشمگیر به ۳۳ درصد، یعنی پایین‌ترین سطح در دوران ریاست جمهوری‌اش رسیده است و ۶۴ درصد از عملکرد او ناراضی‌اند.

مسئله دردناک‌تر به نوشته گاردین آن است که هیچ چیزی مانع ترامپ نیست، نه قانون، نه خودش و نه کنگره «هرچند ممکن است جزئیات ثروت‌اندوزی او تکان‌دهنده باشد، اما طرز فکر او یعنی پیشروی با تمام قوا و بی‌اعتنایی به رویه‌های گذشته، بازتاب‌دهنده رفتار او در سایر حوزه‌ها نیز هست. او از اینکه هیچ حد و مرزی نشانسد به خود می‌بالد و انتقادات را بابی تفاوتی پس می‌زند. او در ماه ژانویه به نیویورک تایمز گفت که تنها عاملی که قدرت او را محدود می‌کند، «اخلاقیات خودش» است. او این حرف را مشخصاً درباره‌ی محدودیت‌هایش در عرصه بین‌المللی بیان کرد؛ یعنی آزادی



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار



سیری ناپذیر مثل ترامپ

ترامپ همچون کودکی نوپا و طمع‌کار، مدام دستش را درون ظرف شیرینی ریاست جمهوری فرو می‌برد و تا به اینجای کار، به نظر می‌رسد هیچ‌کس قادر نیست دست او را از این ظرف بیرون بکشد.

به گزارش گاردین، ترامپ در طول کمتر از دو سال، عدد حیرت‌انگیز ۲ میلیارد دلار از ریاست جمهوری کسب ثروت کرده است «دونالد ترامپ در دور دوم ریاست جمهوری‌اش، برای ثروت‌اندوزی شخصی عملاً هیچ مانعی بر سر راه خود نمی‌بیند و هیچ نشانه‌ای هم از توقف به چشم نمی‌خورد؛ بلکه برعکس، در حال سرعت بخشیدن به این روند است. ارقام و اعداد تا به اینجای کار حیرت‌انگیزند. طبق گزارش گاردین و سایر رسانه‌های خبری، او در سال ۲۰۲۵ بالغ بر ۲.۲ میلیارد دلار درآمد کسب کرده است».

به باور گاردین، این دولت بدل به فاسدترین دولت تاریخ آمریکا شده و بسیاری از هواداران خود ترامپ نیز مشغول ابراز انزجار از او هستند «لری نوبل، استاد حقوق و مشاور حقوقی پیشین کمیسیون فدرال انتخابات، به پتر استون از روزنامه

یادداشت

شکست پروژه انتخاباتی آپیک

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

لابی صهیونیستی آپیک سال‌ها به عنوان یکی از قدرتمندترین بازیگران پشت پرده سیاست آمریکا شناخته می‌شد. جریانی که با تزریق میلیون‌ها دلار به رقابت‌های انتخاباتی، حمایت از نامزدهای همسو و حذف منتقدان رژیم صهیونیستی، عملاً برای بخشی از سیاست خارجی واشنگتن خط‌مشی تعیین می‌کرد. اما نتایج انتخابات مقدماتی حزب دموکرات در ماه‌های اخیر نشان می‌دهد این فرمول دیگر مثل گذشته جواب نمی‌دهد. جایی که حتی میلیون‌ها دلار هزینه تبلیغاتی نیز نتوانسته نامزدهای مورد حمایت آپیک را از شکست نجات دهد.

ماجرادر کالیفرنیا شاید یکی از روشن‌ترین نمونه‌های این تغییر باشد. روزنامه گاردین گزارش داده است که سوپرپک‌های مرتبط با آپیک در هفته‌های اخیر بیش از ۵ میلیون دلار برای حمایت از «ملیسا هرناوندز» و تخریب «عایشه وهاب» هزینه کرده‌اند. طبق گزارش‌های منتشر شده، مجموع هزینه‌های حمایت از هرناوندز در نهایت به حدود ۶.۴ میلیون دلار رسید. رقمی که قرار بود مسیر پیروزی نامزد مورد حمایت لابی صهیونیستی را هموار کند.

اما نتیجه چه شد؟ عایشه وهاب، نامزد مترقی و منتقد سیاست‌های رژیم صهیونیستی، در انتخابات ویژه حوزه کالیفرنیا پیروز شد و به کنگره راه یافت. این پیروزی در شرایطی رقم خورد که آپیک تمام توان مالی خود را برای شکست او به میدان آورده بود. نکته مهم‌تر آنکه وهاب در مراحل قبلی نیز با فاصله بیش از ۲۰ درصد از رقیب خود جلو افتاده بود و در نهایت نیز فشار مالی آپیک نتوانست ورق را برگرداند.

این فقط یک مورد نیست. انتخابات مقدماتی دموکرات‌ها در سراسر آمریکا به صحنه‌ای برای جدال میان جریان سنتی حزب و نسل جدیدی از سیاستمداران تبدیل شده است. سیاستمدارانی که برخلاف گذشته، هزینه سیاسی انتقاد از اسرائیل را نمی‌پردازند و حتی در مواردی، مخالفت با کمک‌های نظامی آمریکا به تل‌آویو را به یکی از محورهای اصلی کارزار خود تبدیل کرده‌اند.

گزارش‌های انتخاباتی آمریکا نشان می‌دهد عبدالسید در میشیگان با وجود حمایت گسترده جریان سنتی حزب و گروه‌های حامی اسرائیل، به رقابت بسیار نزدیکی با هالی استیونز دست یافت. رقابتی که رویترز آن را آزمونی مهم برای جهت‌گیری آینده حزب دموکرات توصیف کرد. مهم‌تر از آن، نظرسنجی رویترز و ایپسوس نشان داد محبوبیت اسرائیل نزد دموکرات‌ها از ۵۹ درصد در سال ۲۰۱۸ به تنها ۲۲ درصد در ماه مه ۲۰۲۴ سقوط کرده است. همچنین تنها ۱۶ درصد دموکرات‌ها از ادامه کمک نظامی و اقتصادی آمریکا به اسرائیل حمایت کرده‌اند، در حالی که ۵۷ درصد با آن مخالفت کرده‌اند.

در گذشته حمایت از اسرائیل برگ برنده‌ای برای نامزدها محسوب می‌شد، اکنون برای بخش قابل توجهی از رأی‌دهندگان دموکرات به یک نقطه ضعف انتخاباتی تبدیل شده است.

یادداشت

آقایان مسئول!
چین را دریابیدامیرشهرشهرانی
روزنامه‌نگار

ترامپ در تازه‌ترین تهدید خود از آغاز «ویرانگرترین عملیات اقتصادی» علیه ایران سخن گفته و حتی آن را به عملیات نورماندی تشبیه کرده است. فارغ از ادبیات اغراق آمیز او، بخش مهمی از این تهدید متوجه شریان‌های اقتصادی ایران و مشخصاً روابط تهران و پکن است. آمریکای می‌داند که یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های ایران برای خنثی کردن فشار اقتصادی، حفظ بازارهای صادراتی، استمرار فروش نفت و برخورداری از مسیرهای تجاری خارج از سلطه غرب است و چین در مرکز این معادله قرار دارد.

اما آیا دستگاه سیاست خارجی کشور، چین را با همین درجه از اهمیت درک کرده است؟ آیا برای مدیریت این میدان، نیروهای در سفارت، وزارت خارجه و مجموعه‌های اقتصادی کشور مستقر شده‌اند که هم از تجربه حرفه‌ای برخوردار باشند و هم به ضرورت روابط راهبردی تهران و پکن باور داشته باشند؟

اظهارات وزارت خارجه چین در مخالفت با فشار و تحریم یک‌جانبه آمریکا، اهمیت این موضوع را دوچندان می‌کند. پکن اعلام کرده است با تحریم‌های یک‌جانبه فاقد مبنای حقوقی مخالفت می‌کند. این موضع یک فرصت دیپلماتیک برای ایران است؛ اما فرصت زمانی به دست‌آورد تبدیل می‌شود که تهران نیز برای استفاده از آن، تیمی توانمند و حرفه‌ای داشته باشد.

جریان غرب‌گرا مسلط بر پزشک‌های هنوز جهان را با مختصات دهه‌های گذشته می‌بیند. کسانی مانند ظریف حتی تغییرات عمیق در مناسبات قدرت، گسترش نقش چین در هندسه قدرت جهانی و فاصله گرفتن بسیاری از کشورها از مدار سنتی غرب را درست نمی‌بینند و به جای توجه به ظرفیت‌های شرق، همچنان چین و روسیه را مسئله معرفی می‌کنند. حال آنکه وتوی قطعنامه‌های ضدایرانی در شورای امنیت و مخالفت با تحریم‌های غرب در بازه پس از جنگ نشان داده است پکن و مسکو در این میدان، تابع واشنگتن نیستند.

چین نیازمند دیپلماتی است که شناخت عمیق از ساختار سیاسی و اقتصادی این کشور، شبکه ارتباطی مؤثر، تجربه مذاکرات پیچیده و مهم‌تر از همه، باور روشن به ضرورت روابط راهبردی تهران-پکن داشته باشد. تجربه دولت روحانی و بی‌توجهی به ظرفیت چین، نباید دوباره تکرار شود. همین نگرانی درباره برخی چهره‌های نزدیک به قالیباف نیز وجود دارد. اظهارات کذب حسین قربان‌زاده درباره آزادشدن منابع مسدودی در تفاهم اسلام‌آباد و تناقض آن با اذعان رسمی همتی در باره عدم دریافت هیچ پول بلوکه شده‌ای، نشان داد که نماینده ایران در پرونده چین نیازمند مشاورانی آگاه است.

ترامپ اکنون چین را هدف گرفته است. اگر تهران این واقعیت را جدی نگیرد، ممکن است بزرگ‌ترین ظرفیت خنثی‌سازی فشار آمریکا، نه به دلیل موضع پکن، بلکه به دلیل ضعف مدیریت خود ایران از دست برود.

پالس ضعف به دشمن

مشکل فقط یک جمله یا یک مصاحبه نیست؛ مسئله، تکرار الگویی است که بارها هزینه آن برای کشور آشکار شده است. وقتی رئیس‌جمهور یا دیگر مسئولان ارشد، در حساس‌ترین مقطع، تصویری از خستگی، اضطراب یا تمایل به خروج سریع از میدان ارائه می‌کنند، رسانه‌های غربی همان سخنان را از متن جدا کرده و به عنوان نشانه ضعف تهران بازنشر می‌کنند؛ دقیقاً همان چیزی که ترامپ برای جنگ روانی به آن نیاز دارد.

بدر آنکه این صحبت‌های مبنای تصمیم‌گیری دشمن می‌شود و خود باعث جنگ می‌گردد.

عملیات روانی دشمن تبدیل شود. آنچه امروز درباره برخی مواضع مسعود پزشک‌های و دیگر دولتمردان دیده می‌شود، دقیقاً از همین جنس است؛ سخنانی که دشمن از آنها برای القای شکست ایران بهره می‌گیرد.



به جنگ صحبت کرده است؛ گویی این ایران بوده که این جنگ را آغاز کرده است! ولادیمیر پوتین در ۹ مه ۲۰۲۶ صراحتاً گفته بود ایران حتی درباره انتقال با رقیق‌سازی ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد انعطاف نشان داده، اما آمریکا و اسرائیل مسیر جنگ را انتخاب کردند. به بیان دیگر مسئولان دولتی همچنان متوجه چرایی و چیستی این جنگ نشده‌اند.

خطای محاسباتی مسئولان
یعنی بی‌کفایتی سیاسی

اینجاست که هشدار رهبر انقلاب آیت‌الله‌عزیز مجتبی خامنه‌ای درباره «خطا در دستگاه محاسباتی مسئولان» اهمیت پیدا می‌کند. در پیام ایشان به مناسبت عید غدیر، دو هدف اصلی دشمن «تاب‌آوری مردم» و «ایجاد خطا در دستگاه محاسباتی مسئولان» عنوان شده و ابزارهایی مانند تردید، یأس، ترس، بدگمانی و اختلاف مورد تأکید قرار گرفته است. این هشدار را نباید صرفاً یک توصیه عمومی دانست. مسئول ارشد دولت باید بداند دشمن چگونه از سخنان او استفاده می‌کند. همصدایی ناخواسته با روایت دشمن، حتی اگر با نیت خیر بیان شده باشد، همچنان یک خطای راهبردی است.

امروز دیگر نمی‌توان همه این موارد را با عنوان «ساده‌اندیشی» کنار گذاشت. وقتی یک خطا بارها تکرار می‌شود و هربار همان پیامد را دارد، مسئله از اشتباه فردی فراتر می‌رود و به مسئله‌ای درباره دستگاه محاسباتی تبدیل می‌شود.

ملت ایران از مسئولان خود انتظار دارد در میدان جنگ روانی، به جای تقویت روایت دشمن، روایت قدرت ملی را نمایندگی کنند. اگر رئیس‌جمهور واقعاً ولایت‌پذیری و التزام عملی به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه را مبنای عملکرد خود می‌داند، باید هشدار درباره خطای محاسباتی را جدی بگیرد و در سیاست‌گذاری و سخن گفتن آن را به معیار تبدیل کند. و اگر این اصلاح اتفاق نیفتد، پرسش دیگری که امروز بیش از گذشته مطرح می‌شود، دیگر درباره یک جمله یا یک مصاحبه نخواهد بود؛ بلکه درباره بررسی کفایت سیاسی و مدیریتی مسئولان برای اداره کشور در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر خواهد بود.

بازتاب سخنان پزشک‌های در رسانه‌های غربی؛

پاس گل به ترامپ

جنگ فقط با موشک و پهپاد و میدان نظامی پیش نمی‌رود؛ بخشی از نبرد، جنگ روایت‌ها و تصویرسازی از قدرت و ضعف کشور است. در چنین میدان حساسی، هر سخن نسنجیده یک مسئول می‌تواند به ماده خام

محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

یکی از مهم‌ترین ابزارهای ترامپ برای پیشبرد جنگ روانی سنگین علیه ایران، نه فقط تهدیدهای آمریکا، بلکه برخی مواضع داخلی است؛ مواضعی که می‌تواند تصویری متفاوت از واقعیت میدان به افکار عمومی جهان مخابره کند. ترامپ در جریان جنگ ۴۰ روزه و پس از آن، بارها کوشیده است با استناد به سخنان مقام‌های ایرانی به خصوص مسعود پزشک‌های، روایت خود از پیروزی، فشار و ضعف ایران را معتبر جلوه دهد.

در چنین شرایطی، جمله‌ای که پزشک‌های در روزهای اخیر مطرح کرده و گفته است: «بهتر است امروز جنگ را پایان دهیم، در قدرت هستیم و تمام دنیا به پیروزی ما اذعان دارند و آمریکا در دنیا منقرض است»، صرف‌نظر از نیت گوینده، از منظر محاسبات راهبردی نیازمند تأمل جدی است.

مسئله این نیست که رئیس‌جمهور چرا درباره پایان جنگ سخن گفته است. مسئله این است که در شرایط فعلی چه تصویری از موقعیت ایران به دشمن منتقل می‌شود و دشمن چگونه همان جمله را تفسیر می‌کند. تهدید دشمن خارجی قابل فهم است؛ اما اگر در داخل، دستگاه محاسباتی مسئولان به گونه‌ای عمل کند که همان تهدیدها را تقویت کند، هزینه خطا چند برابر خواهد شد.

ذوق زدگی رسانه‌های غربی
از اظهارات پزشک‌های

نمونه روشن آن، واکنش سریع رسانه‌های غربی است. بلومبرگ با استناد به همین مواضع، تیت‌زد: «رئیس‌جمهور ایران خواستار پایان جنگ با آمریکا در حالی که تهران پیش‌تاز است، شد.» وال استریت ژورنال نیز با کنار هم گذاشتن سخنان اخیر پزشک‌های و قالیباف، نوشت: «سیاستمداران ارشد ایران خواستار پایان جنگ هستند» و این گزاره را به تلاش تهران برای مذاکره تا زمانی که اهرم فشار در اختیار دارد، پیوند زد. گزارش‌های فاکس نیوز و سی‌ان‌ان نیز از همین مواضع برای القای ضعف ایران استفاده کردند. این اتفاق تصادفی نیست. رسانه‌های غربی

دقیقاً همان بخشی از سخنان مسئولان ایرانی را برجسته می‌کنند که می‌تواند به روایت مطلوب واشنگتن خدمت کند.

در همین چارچوب، موضع عبدالناصر همتی درباره صفرشدن صادرات نفت نیز قابل بررسی است. حتی اگر هدف گوینده بیان یک هشدار اقتصادی بوده باشد، طرح چنین گزاره‌ای از سوی فردی که جایگاهی در حیطه صادرات نفت ندارد و بدون توجه به پیچیدگی معاملات نفتی و سازوکارهای صادرات و فروش، در شرایطی که وزیر خزانه داری آمریکا آشکاراً از تشدید جنگ اقتصادی برای تغییر حکومت سخن می‌گوید، عملاً می‌تواند خوراک تبلیغاتی برای دشمن فراهم کند. عجیب‌تر آنکه روزنامه سازندگی، ارگان رسانه‌ای حزب کارگزاران سازندگی، که بارها ثابت کرده است رکن دشمن در عملیات روانی در داخل کشور است، نیز در چنین مقطعی با ذوق زدگی این گزاره را به تیر نخست تبدیل می‌کند و تصویری حداکثری از ضعف اقتصادی کشور ارائه می‌دهد.

سیاه‌نمایی سیاسی

همان تفکری که در سال‌های گذشته همه مسیرهای اقتصادی کشور را به توافق با غرب گره زد، امروز نیز گاه چنان سخن می‌گوید که گویی اثبات ناتوانی ایران، مقدمه ضروری بازگشت به میز مذاکره است. روحانی در زمان حساس مذاکرات منتهی به برجام به جای تکیه بر قوت‌های ایران برای امتیاز گیری بیشتر، با دروغ بی‌شرمانه خزانه خالی و سیلوهای خالی فقط برای حمله به احمدی‌نژاد، دست کشور را خالی‌تر و کشور را ملمس‌تر برای توافق نشان داد. امروز نیز بخش مهمی از نیروهای روحانی و ظریف، از جمله چهره‌های نزدیک به جریان برجام، در ساختار دولت پزشک‌های حضور دارند و طبیعی است که استمرار همان نگاه، نگرانی‌ها را بیشتر کند.

اکنون این سوال مطرح است که از دست خالی نشان دادن ایران در حساس‌ترین مقطع چه سودی حاصل می‌شود؟ آیا این رویکرد قدرت چانه‌زنی کشور را افزایش می‌دهد یا دقیقاً به دشمن علامت می‌دهد که فشار را بیشتر کند؟

از سوی دیگر پزشک‌های از ضرورت پایان دادن

از مجری میتینگ‌های روحانی تا حامی قالیباف؛ غوغای وفاق نگر؛

رشید پول

رضا رشیدپور در سخنانی به حمایت تمام‌قد از قالیباف پرداخت و منتقدان او را مورد حمله قرار داد؛ حمایت او نه صرفاً از عملکرد رئیس مجلس، بلکه از سبک زندگی و حاشیه‌هایی که سال‌ها یکی از مهم‌ترین نقاط انتقاد به او بوده است. این همان رشیدپوری است که سال‌ها در اردوگاه انتخاباتی حسن روحانی حضور

داشت و خالق ابتذال «غوغای روحانی نگر» بود و در انتخابات ۱۴۰۳ نیز با آب‌وتاب پشت پزشک‌یان ایستاد؛ چهره‌ای که حالا ذیل پروژه وفاق از کسی حمایت می‌کند که در سال ۹۲ چون رقیب حسن روحانی بود محکوم به ترور و تخریب شخصیت بود و با شدیدترین حملات به او حمله می‌شد.



سعید مصباح
روزنامه‌نگار

رضا رشیدپور را اگر از حافظه سیاسی و رسانه‌ای یک دهه اخیر حذف کنیم، شاید فهم این چرخش تازه کمی دشوار باشد. اما کافی است کمی به عقب برگردیم؛ به روزهایی که او نه فقط یک مجری، بلکه یکی از چهره‌های رسانه‌ای جریان حامی حسن روحانی بود؛ همان روزهایی که قالیباف در اردوگاه مقابل قرار داشت و تخریب او بخشی از پروژه انتخاباتی جریان اعتدال و اصلاحات محسوب می‌شد. حالا اما همان رشیدپور، در قامت یکی از مدافعان قالیباف ظاهر شده و منتقدان رئیس مجلس را به باد انتقاد گرفته است؛ آن هم در شرایطی که خودش روزگاری در جبهه‌ای کاملاً متفاوت ایستاده بود.

ما جراً وقتی جالب‌تر می‌شود که موضوع دفاع رشیدپور، صرفاً کارنامه مدیریتی قالیباف نیست؛ او در دفاع از سبک زندگی رئیس مجلس نیز وارد میدان شده است. رشیدپور در سخنانش اساساً این گزاره را زیر سؤال می‌برد که چرا باید درباره سبک زندگی یک سیاستمدار حساس بود و چرا باید از او انتظار داشت علاوه بر عملکرد مدیریتی، از حیث شخصی نیز آدم اخلاق مدار و ساده‌زیستی باشد. در واقع این گفته‌های سریع‌القلم‌ها، غریزگرایان وابسته به الیگارش‌ی و بانیان مانور تجمل است که از دهان اجاره‌ای رشیدپور خارج می‌شود.

اما شاه‌بیت این اظهارات آنجاست که رشیدپور برای اثبات مدعای خود پای دونالد ترامپ را وسط می‌کشد؛ گویی قرار است سبک زندگی رئیس‌جمهور آمریکا که پراز فسادهای جنسی است تبدیل به سند بالادستی برای تعیین مختصات مسئول جمهوری اسلامی شود! ترامپ گلف بازی می‌کند، ثروتمند است و زندگی اشرافی دارد؛ خب

یادداشت

شورای پروانه ساخت گروگان خانه سینماست!

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

سینمای ایران در حوزه تصمیم‌گیری و تنظیم‌گری وارد مرحله جدیدی شده؛ گویا بعد از اکران یوتوبی فیلم بیداد و حرف‌های «محسن امیریوسفی» مبنی بر رسمیت بخشی به جریان سینمای زیرزمینی ساخت فرهنگی جمهوری اسلامی باید زره پولادین به تن و هرطور شده در این زمینه اعمال حاکمیت کند. اما در این بین دولت مسعود پزشک‌یان خودش بخشی از مشکل پیش‌روست به‌طوریکه محمد مهدی طباطبایی نژاد، معاون جدید ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی، اخیراً در گفت‌وگو با ایسنا به موضوع عدم حضور نمایندگان خانه سینما در شورای پروانه ساخت اشاره کرد. به گفته او، پیش از انتصابش، نامه‌ای از سوی خانه سینما به معاون پیشین ارسال شده بود که براساس آن، به دلیل عدم حذف این شورا، نمایندگان این نهاد دیگر در جلسات آن شرکت نخواهند کرد. طباطبایی نژاد با اشاره به برگزاری گفت‌وگوهایی در این راستا، ابراز امیدواری کرد که نمایندگان خانه سینما مجدداً به این شورا بازگردند. با این حال، واکاوی این اظهارات نشان می‌دهد که شکاف اصلی در شیوه‌های تنظیم‌گری آثار نمایشی، بیش از آنکه درون خانه سینما باشد، در درون خود سازمان سینمایی مشهود است.

منطق حکم می‌کند که اگر چهره‌ای مانند منوچهر شاه‌هسوری به‌عنوان یکی از نمایندگان خانه سینما، با کلیت نهاد شورای پروانه ساخت مخالف است، حضور یا عدم حضور وی در این شورا عملیاتی معناست؛ چرا که از منظری این شورا از اعتبار لازم برخوردار نیست. سازمان سینمایی در حال حاضر سیاست تعامل حداکثری با اصناف را در پیش گرفته است، اما نباید فراموش کرد که تعلل و بلاتکلیفی بیش از حد در تعیین تکلیف نهایی این شورا، آسیب‌های جدی به ساختارهای تنظیم‌گری صنعت سینما وارد خواهد کرد.

از آنجا که خانه سینما موضع و سیاست جدید خود را درباره پروانه ساخت به‌طور رسمی و شفاف اعلام کرده است، انتظار می‌رود سازمان سینمایی نیز برنامه‌ها و چشم‌انداز آینده خود را به‌وضوح تشریح کند، نه آنکه در منظر عمومی دچار انفعال و سردرگمی جلوه نماید. این ابهام در سخنان اخیر معاون جدید نیز بازتاب دارد. او اگرچه تأکید می‌کند که شورای پروانه ساخت و آیین‌نامه‌های آن وحی مُنزل نیستند و نیازمند اصلاح‌اند، اما هم‌زمان هشدار می‌دهد که نمی‌توان بدون فراهم کردن مقدمات و جایگزین مناسب، مسیر فعلی را تخریب کرد. نکته انتقادی اینجاست که طباطبایی نژاد اگرچه بر لزوم اصلاحات صحنه می‌گذارد، اما به‌طور صریح مشخص نمی‌کند که این «ملزومات و مقدمات» مورد ادعای او دقیقاً چیست. این سکوت، تنها بر هاله‌ای از بلاتکلیفی در سیاست‌گذاری‌های کلان سینمایی می‌افزاید و ضرورت شفاف‌سازی فوری را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سپهبد قری خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ

C U L T U R A L

یکشنبه ۱ شهریور ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۱۶

یادداشت

نمایش ملی یا شولاکچری؟

علی نقدی
روزنامه‌نگار

تئاتر در ایران در حال تبدیل شدن از یک هنر عمومی و دغدغه‌مند به کالایی لوکس برای طبقه‌ای خاص است. مسئله‌ای که در هفته‌های اخیر با رونمایی از قیمت‌های نجومی بلیت نمایش «ارکسترال «آرش» به نقطه جوش خود رسید. وقتی برای تماشای یک اثر نمایشی در «رویال هال» هتل اسپیناس باید تا ۵ میلیون تومان هزینه کرد، نخستین پرسشی که ذهن هر کسی را درگیر می‌کند این است: آیا تئاتر همچنان هنر مردم است یا ویتربینی برای نمایش قدرت خرید و نمایش سبک زندگی؟

اگرچه تورم افسارگسیخته و افزایش هزینه‌های تولید، اجاره بهای سرسام‌آور سالن‌های خصوصی و دستمزدهای سنگین بازیگران چهره (سلبریتی‌ها) واقعیت‌های انکارناپذیر اقتصاد هنر هستند، اما تبدیل شدن این فشارها به بلیت ۵ میلیونی گویای شکافی عمیق در سیاست‌گذاری فرهنگی است. این وضعیت، زنجیره‌ای از مشکلات را ایجاد کرده که در آن تماشاگر، بی‌آن که نقشی در مناسبات تولید داشته باشد، تنها کسی است که هزینه این ناهمانگنی‌ها را می‌پردازد.

واقعیت این است که وقتی «اقتصاد تئاتر» به جای تکیه بر حمایت‌های اصولی یا تنوع بخشی به منابع مالی، تنها بر جیب تماشاگر متکی شود، نتیجه‌اش حذف تدریجی طیف وسیعی از مخاطبان، به‌ویژه دانشجویان و نسل جوان از چرخه تئاتر است. تئاتر به مثابه هنری اجتماعی، با دوری از مردم و پناه بردن به سالن‌های لاکچری، هویت اصلی خود را که همان گفت‌وگو با جامعه است، از دست می‌دهد. پرسش بنیادین اینجاست؛ چرا سیاست‌گذار فرهنگی تنها بر انتهای این زنجیره -یعنی قیمت بلیت- نظارت می‌کند و چشم بر هزینه‌های نجومی اجاره سالن یا شفاف نبودن بودجه‌های تولیدی می‌بندد؟ آیامی‌توان از مفاهیمی چون وطن‌دوستی یا دغدغه‌های ملی در اثری سخن گفت که عملاً ورود بخش بزرگی از ملت را به سالن‌هایش ممنوع کرده است؟ تئاکر ساختار نظام صنفی هنرهای نمایشی نتواند میان حق دسترسی مردم به فرهنگ و اقتصاد تولید تعادلی پایدار ایجاد کند، دیری نخواهد پایید که تئاتر به فعالیتی تزئینی و بی‌اثر در سبد تفریحات قشری خاص تبدیل شود؛ اتفاقی که نه تنها رونق تئاتر نیست، بلکه آغاز زوال پیوند ارگانیک هنر با پیکره جامعه است.